خبر

تحت هیچ شرایطی نباید تئاتر را تعطیل کرد

طی هفته‌های گذشته و با توجه به ناآرامی‌های اجتماعی، جهت‌گیری‌های متفاوتی درباره اجراهای روی صحنه تئاتر شکل گرفته است. بسیاری از هنرمندان معتقدند هنر، جریانی متداوم است که نمی‌توان آن را متوقف کرد.

این هنرمندان معتقدند تئاتر، شغل آنهاست و مانند دیگر مشاغل اجتماعی، تعطیل‌پذیر نیست.بر این اساس، محمدهادی عطایی، بازیگر و کارگردان با اشاره به ضرورت روشن ماندن چراغ تئاتر گفت: جوان‌هایی که با توجه به ناآرامی‌های جامعه معتقدند تئاتری نباید روی صحنه باشد و لزومی برای اجرا وجود ندارد، آیا می‌دانند چه بزرگانی چون زنده‌یادان خسرو بامداد، حمید سمندریان و سایر هنرمندان بزرگ تئاتر عمرشان را صرف کردند تا چراغ این هنر تحت هیچ شرایطی خاموش نشود. او ادامه داد: این روزها ما فقط از جملات و کلماتی از بزرگان وام می‌گیریم که به نفع‌مان است و متاسفانه این بسیار نگران‌کننده است.این هنرمند با اشاره به این‌که در زمان همه‌گیری ویروس کرونا نیز بسیاری از هنرمندان حتی در فضای مجازی تلاش کردند تا تئاتر فراموش نشود، افزود: در این‌که تئاتر همواره مورد بی‌مهری قرار گرفته، شکی ندارم اما آیا می‌توان همه چیز را از ریشه زد و تئاتر را رها کرد؟! ای کاش هوش هیجانی خود را کنترل کنیم و بیش از پیش برای بهتر شدن شرایط تلاش کنیم.

در گفت‌وگو با فاطمه زمانی، کارگردان نمایش «نوکر شیطان» مطرح شد

روزگار سخت زندگی کردن بهلول‌وار

سحر سلطانی
گروه فرهنگ

اجرای نمایش «نوکر شیطان» نوشته رسول بانگین که شباهت غریبی به شیوه و سبک نوشتاری اسماعیل خلج دارد و در قهوه‌خانه و با زبان ته‌شهری در جریان است جذبم کرد که چرا باید این همه سال از این نمونه‌های بارز و در واقع پارادایم و الگوهای ایرانی پرهیز و چه‌بسا غفلت شده‌است؟! برای همین پای صحبت کارگردانش فاطمه زمانی که با مهارت این نوع زبان و شاکله قهوه‌خانه‌ای را اجرا کرده، نشستیم. البته او نیز چندان آگاهی بر این اتفاق نداشت؛ هر چند با خود این نوع آدم‌ها و حال‌وهوای حاکم بر روابط این لات‌های، رسیده به نوعی بی‌انگیزگی و پوچی آشنایی داشت. نمایش در یک قهوه‌خانه و برای جمعی از لات‌هاست که زن گریز شده‌اند و از آنها غیبت می‌کنند اما دیگرانی پا به این قهوه‌خانه می‌گذارند که آنان را تغییر دهند و شاید این دیگر میسر نباشد. نمایش نوکر شیطان با طراحی، کارگردانی و تهیه‌کنندگی فاطمه زمانی از ۲۴ مهر ساعت ۱۹ و ۳۰ دقیقه در سالن استاد جعفر والی تالار محراب روی صحنه می‌رود و احمدرضا نورالهی، سیاوش ضابط، رضا حسین‌نژاد، مهرداد قادری، فرید گلریز، مینا ترکمن، مسعود تاج‌کریمی، علیرضا یاسری، پویا آصفی، سیدمجید حسینی، پرستش پورمیرزا، پوریا رضایی، عارف رستمی، آرمان مراثی، ایمان راعی، فاطمه زمانی، سمیه رجبی، علی صدیقی‌سعید، نگین بیگی و لیلا صفری بازیگران آن هستند.

فاطمه زمانی نیز از زمان مدرسه تئاتر کار کرده اما در دانشگاه تربیت بدنی و مترجمی زبان خوانده و بعد از دوره آموزشی بازیگری تاکنون در ۲۵ نمایش کار کرده و هفت نمایش را به صحنه برده و سال ۹۹ با چهار نمایش پرکارترین کارگردان شده و همچنین در سال ۱۴۰۰ در ۱۸ نمایش بازی کرده و الان هم در گروه سافاتا دارد بازیگری تدریس می‌کند. نمایش‌های سوءتفاهم از آلبر کامو، توبه از خودش، شکار مرگ، به اسم بازی مرگ از آیرا لوین، نقاشی روی چوب از اینگمار برگمن، به مناسبت ورود اشکان از کامران مولایی و پنج ثانیه برف از عباس جمالی از دیگر نمایش‌های اوست.

چرا برای یک بار دیگر متن نوکر شیطان را کار می‌کنید؟

استقبال خوب مخاطب در بار اول اجرا، اصرار برخی از دوستان برای اجرای مجدد و تمایل شخصی خودم برای اجرای مجدد...

آیا اجرای دوم با اجرای اول فرق‌هایی دارد؟

بله، حتی دیالوگ‌ها و خط داستان، صحنه‌ها و کارگردانی اثر ۸۰ درصد با اجرای قبلی متفاوت است.

در متن رسول بانگین چه تغییرات مهمی داده‌اید؟

در متن سه شخصیت وارد کردم که دو نوچه و یک شاگرد قهوه‌چی بود. داستان اصلی سر جایش است اما برای کمدی بیشتر کار، خودم اتفاقاتی را رقم زدم که به نوعی شناسنامه دادن بیشتر به افرادی مثلا قهوه‌چی بود. البته صحنه آخر اصلا این که می‌بینید نیست؛ در متن اصلی چند شخصیت دیگر در انتها می‌میرند... مثل رضا چهارصد و اصغر... به طور کل متن اصلی که دیالوگ‌های جذاب‌تر و استخوان‌دارتری داشت.

در اجرای دوم چه نکاتی تغییر کرده‌اند؟

اجرای قبل متن اصلی بدون تغییرات بود و تعداد شخصیت و پایان داستان متفاوت‌تر بود و میزانسن‌ها و دکور هم تغییر کرد.

می‌دانستید که نویسنده نوکر شیطان متاثر از اسماعیل خلج؛ به‌ویژه متن جمعه‌کشی است؟

خیر. اما می‌دانستم در نوع نوشتاری و توجه به قشر فقیر و حاشیه‌نشینی شباهت‌هایی دارند.

مردهای زیادی در این متن بازی می‌کنند، برای یک کارگردان زن چنین هدایتی سخت نیست؟

از آنجا که من در محل کار و محیط تئاتر فارغ از جنسیتم، بسیار جدی و هدفمند کار می‌کنم، این کار و هدایت بازیگران با توجه به شناخت و قوانینی که طی ۸۰ جلسه سه‌ساعته تمرین، به صورت منظم از سوی گروه و بازیگران اجرامی شود برایم سخت نبود.

گزینش بازیگران بر چه پایه‌ای است؟

هنرجوهای کلاسم بودند یا دوستانی بعد از دورخوانی و جلسات اولیه تمرین برای این نقش‌ها انتخاب شدند.

آیا محتوای این متن درباره ضدیت مردان شرور با زنان است؟

متن اصلی بله. من سعی کردم در لایه سطحی متن یک داستان رئال در حال اتفاق باشد اما در لایه‌های زیرین متن به مسائل روز جامعه و مردم هم پرداخته شود و در کنارش موضوعات اخلاقی و انسانی هم نشان داده شود اما به زبان نرم و کمدی با نگاهی عمیق به دور از سطحی‌نگری.

آیا شخصیت زن غریبه برای نجات و بردن غلام به این قهوه‌خانه آمده است؟

بنا به برداشت‌های متفاوت مخاطب شاید برای نجات خودش به غلام پناه آورده بود و شاید برای نجات غلام.

مرد جهنمی کابوس کدام یک از این مردان است و چرا باید به این قهوه‌خانه بیاید؟

از قدیم گفتن تا سه نشود بازی نشود. جهنمی سه بار روی صحنه می‌آید که دو بار اول اهالی قهوه‌خانه متوجه حضورش نشده‌اند و با ریختن نمک خواست کمی آنها را آرام کند و نمک به زندگی بدهد و برای بار دوم تصمیم می‌گیرد عامل اصلی بدبختی و کسی که در راس قهوه‌خانه یک جورهایی دارد ظلم می‌کند را از بین ببرد تا شاید بقیه راه‌نجات داشته‌باشند. پس غلام انتخاب می‌شود برای این کار و بار سوم باز اعلام خطر می‌کند با وجود تمایل درونیش به انجام کار و در نهایت با خنده بیرون می‌رود و مطمئن که غلام کار را تمام می‌کند.

مرد جهنمی برای آگاه ساختن غلام به اینجا آمده؟

مرد جهنمی آگاهی می‌دهد از جهنم، برای همه حتی مخاطب. غلام انتخاب می‌شود برای این‌که انگیزه کافی برای کشتن حسن را دارد اما دو دل است تا این‌که برای بار سوم دوباره حسن با او گلاویز می‌شود. این بار در دفاع از خود، حسن را می‌کشد در حالی که خود نیز به ته خط رسیده.

آیا از سبک قهوه‌خانه‌ای که به ته شهر و به حالت ناتورالیستی می‌پردازد، آگاه بودید؟

تا حدودی با تحقیق میدانی اما تمرکزم رو این موضوع نبود؛ فقط...

می‌دانستی که ژانر کارت کمدی-تراژدی است؟

اثر روی صحنه که با دراماتوژی متن اصلی همراه بود تو این ژانر هم قرار می‌گیرد.

درباره هر دوی آنها بگویید و تغییرات احتمالی؟

متن اصلی که رئالیسم جادویی بود و متن ویرایش شده نیز رئال بود که با یک صحنه‌های سوررئال و کمرنگ به پایان می‌رسد که شاید بتوان گفت کمدی تراژدی شده است و... شاید هم یک فیلم فارسی را روی صحنه دیدیم.

در اجرا چقدر حس و حال گروتسک و هولناک شدن فضا برایت مهم بوده است؟

همان اندازه که روی صحنه دیدید.

هنوز هم جا دارد صحنه‌های هولناک بیشتر شود، چرا این اتفاق نیفتاده است؟ آیا برای تاثیر مطلوب‌تر نبود؟

تا روزهای پایانی تمرین قرار بر این بود کار کاملا سیاه و سفید روی صحنه با دکوری دیگر در مکانی نامعلوم‌تر اجرا شود که بنا به شرایط جامعه و نبود بودجه کافی نشد. این موضوع و این‌که طراحی نور به این موضوع کمک می‌کند، در شب‌های بعد این صحنه بهتر شده است.

دو مرد و زن شیرین مغز فقط برای زنگ تفریح به قهوه‌خانه می‌آیند یا می‌خواهند بهترین حالت زن و شوهری را برای این مردان گمراه فراهم کنند و چرا اصرار دارند روی حسن خط خطی، تف کنند؟

شاید بهترین حالت برای تحمل روزگار سخت گاهی بهلول‌وار زندگی کردن است و آن تف کردن به خاطر بالانشینی آدمی است که دیگران را آزار داده و کمی سیاسی‌گونه است.

چرا طراحی صحنه فقط در یک حالت ثابت به قهوه‌خانه می‌پردازد؟

قهوه‌خانه را شاید به یک مکان، کشور یا کل جهان می‌شود تعبیرکرد که توجه به نگاه سطحی یا عمیق تماشاگر دارد.

به هر روی این تاکید بر قهوه‌خانه گاهی بنا بر سبک اسماعیل خلج است و گاهی نیز بهترین مکان برای شناساندن آدم‌ها، موقعیت و اتفاقات پیرامونش‌شان است، شما چه دلایلی برای آن دارید؟

قهوه‌خانه برای من جهانی کوچک و قسمتی از زندگی قشری از جامعه است که مکان معرفی برای آنان است و تمام تمرکزم بر سه اصل بود: اول موضوع سطحی و داستان‌های افراد و کمدی‌های کارگردانی شده خارج از متن. دوم مشکلات در زندگی افراد گوناگون و تاثیر بر مسیر زندگی آنها. تاثیر کلام و زیاده‌گویی‌ها و بی توجهی به خود و قضاوت‌های دیگران.

اگر کار با دقت نمایش دیده شود، تمام این اهداف در طول متن به آن پرداخته شده و توسط قهوه‌چی به سرانجام رسیده‌است.

لباس برای جاهل‌های دهه‌های ۳۰ و ۴۰ است و امروز تا حد زیادی بیشتر لات‌ها مدل تازه‌تری را به تن می‌کنند؛ چرا لباس‌ها برای این روزها و این سال‌ها به شکل کلی نیست؟

هر آنچه داشتیم استفاده کردیم. با این شرایط و هزینه‌ها، نبود سرمایه در بحث دکور ، لباس، طراحی صحنه با حداقل‌های‌مان کنار آمدیم. فکر می‌کنم این را مخاطب هم از دکور و لباس متوجه می‌شود... و سعی ما برای رساندن مطلب بود. این روزها سخت است بدون حمایت و بودجه، کار را به اجرا برد اما ما تلاش خودمان را کردیم.

چرا نور در صحنه‌های ورود زنان و مرد جهنمی متفاوت با نور تخت صحنه مردان می‌شود؟

تغییر نور فقط با ورود جهنمی بود. آن هم چون جهنمی شخصیت رئال داستان نبود.

زن و مرد بازیگر دوره‌گرد و زن غریبه هم در نوری تقریبا اکسپرسیونیستی پا در صحنه نهادند؟

شب اول بود و نور برای بار اول تست شد و به نظرم راجع به یک اثر در ایران که تمام تمرین‌ها در یک پلاتو بدون دکور و... صورت می‌گیرد و در نهایت روز اول اجرا همه چیز تازه دارد حرفه‌ای تمرین می‌شود...

چقدر وجه موسیقایی و حرکات موزون برای‌تان اهمیت داشته و از چه منابعی برای ترسیم آنها بهره برده‌اید؟

موسیقی اهمیت داشت؛ چون به درک فضا و حس لحظه کمک می‌کند. حرکات در صحنه هم مرتبط با دیالوگ‌های آن صحنه است؛ با چند خط نمی‌شود به آن پرداخت. کاش موردی بگویید تا کامل توضیح بدهم. اما به طور کل از منبع ذهنی و خاطرات و مرور برخی موارد ترسیم و اجرایی شد.

انتخاب ترانه‌خوانی و حرکات مردانه و استفاده از ترانه‌ها و حرکات رایج در مجالس شادی‌آور زنانه همانند حمامک مورچه دارد، یا سبزی فروش، آیا مناسب برای این اداهای مردانه است؟

چیدمان میز ریاست و شعر سبزی‌فروش در واقع دورنشینی بانوان در زمان قدیم بود و صحبت‌های زنانه که به این شکل درآمد. شعر در متن اصلی هم هست.

مکث

حرف مردمان فرودست

نمایش قهوه‌خانه‌ای که به اسم اسماعیل خلج در تئاتر ایران شناخته می‌شود، ظهور طبقه فرودست اجتماع در صحنه‌های تئاتر بود تا بتوانند گفتمان درون اجتماعی خود را پیش روی مخاطبان قرار دهند. این شیوه تئاتر خیلی زود طرفدارانی پیدا کرد، زیرا راوی قصه آدم‌هایی بود که کمتر از آنها و دغدغه‌های‌شان حرفی به میان می‌آمد اما آنها بخش اصلی جامعه بودند و برای همین نمایش‌های قهوه‌خانه‌ای توانست شرایط مردمی شدن تئاتر را فراهم کند.

گرچه برخی این نوع تئاتر را ابتدا با سینمای فیلمفارسی مقایسه کردند اما نقد و نظرهای مثبتی که بر نمایش‌های قهوه‌خانه‌ای نوشته شد، نشان داد این شیوه بر بستر گفتمان اجتماعی شکل گرفته و عاری از سینمای بدون محتوای فیلمفارسی است.

همین استقبال از نمایش‌های قهوه‌خانه‌ای اسماعیل خلج باعث شد تا چهره‌های دیگری همچون زنده‌یاد محمود استادمحمد هم با نمایش «آسید کاظم» به این عرصه ورود کند و همچنان نیز نمایش‌های قهوه‌خانه‌ای روی صحنه می‌روند.

نگاه

به انگیزه روز جهانی کودک

تجربه صد ساله تئاتر کودک ایران

رضا آشفته
گروه فرهنگ

تخصصی‌ترین نوع تئاتر در جهان همانا تئاتر کودک است که از زبان، بیان و حال‌وهوای متفاوتی نسبت به انواع تئاتر برخوردار است، زیرا که باید کودکانه فکر کرد و زیست که بتوان به ذهنیت کودکانه، پا نهاد. البته سیر در نوجوانی نیز چیزی در حد فاصل کودکی و جوانی است که آن هم متفاوت‌ترین دوره این نوع تئاتر تلقی می‌شود و چه‌بسا کمتر نویسنده و کارگردانی بتواند برای نوجوانان کار درخوری را به ثمر رساند.

در ایران ما نیز از آغاز قرن چهاردهم هـ.ش جبار باغچه‌بان در مقام پایه‌گذار تئاتر کودک در مهدکودک که آن را هم خودش بنیان‌گذاری کرده بود، شروع شد و مدرسه عالی موسیقی از نخستین نهادهایی بود که در این دوره ـ ۱۳۰۰ هجری شمسی به بعد ـ به تئاتر کودک، توجه ویژه کرد. این مدرسه در یک آگهی در نشریه «آینده»، دی ۱۳۰۶ اعلام کرد که برآن است هر ماهه نمایشی برای کودکان روی صحنه ببرد و نمایشنامه‌نویسان را برای نوشتن نمایش برای کودکان فراخواند. تماشاخانه تهران نیز که از سال ۱۳۲۴ آغاز به کار کردند، در دهه ۲۰، شماری نمایش ویژه کودکان را در روزهای جمعه روی صحنه آوردند. آگهی‌های نمایش ویژه کودکان در تماشاخانه تهران، در دو نشریه اطلاعات ۱۴ اسفند و اطلاعات هفتگی ۲۴ اسفند سال ۱۳۲۴ گواهی بر اجرای این‌گونه نمایش‌ها در تماشاخانه تهران‌اند. اما در دهه‌ها بعد تئاتر کودک و نوجوان به‌طور پراکنده به‌عنوان یک امر جدی تلقی شد و یکی از این کارگردانان رضا بابک است. بزرگ‌ترین کار رضا بابک در اواسط دهه ۴۰ و با همراهی مرضیه برومند و گروهی از هنرمندان شکل گرفت. وی در این دوره، نخستین آثار جدی را برای کودکان‌ونوجوانان روی صحنه برد. بی‌تردید می‌توان گفت که تئاتر کودک و نوجوان توسط رضا بابک، مرضیه برومند و همکاران‌شان در آن سال‌ها به‌طور حرفه‌ای پایه‌ریزی شد.

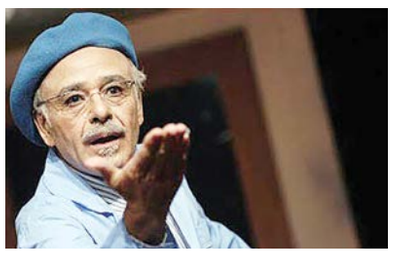

و چه‌بسا راه‌اندازی کانون پرورش فکری کودکان‌ونوجوانان در دهه۴۰ سرآغاز این راه بوده و بسیاری از کارهای بسامان در همین مرکز چه به‌صورت صحنه‌ای و چه عروسکی برای کودکان‌ونوجوانان شکل گرفته و این هنرمندان، همزمان با شکل‌گیری کانون پرورش فکری کودکان‌ونوجوانان، به‌طور جدی تئاتر عروسکی را نیز پیگیری کردند و بعدها با همراهی جوانانی که از دل کانون بیرون آمدند، مانند حمید جبلی، ایرج تهماسب، فاطمه معتمدآریا، آتیلا پسیانی و... تئاتر کودک‌ونوجوان را دنبال کردند. پس از پیروزی انقلاب، دو نمایش موفق و به یادماندنی «اولدوز و کلاغ‌ها» به کارگردانی رضا بابک در سال ۱۳۵۹ و «یک جفت کفش برای زهرا» به کارگردانی بهرام شاه‌محمدلو، در سال ۱۳۶۰ در تئاتر شهر، سالن چهارسو اجرا شدند. نمایش‌هایی که خاطره موفقیت و استقبال بی‌نظیر تماشاگران از آنها هنوز در خاطره‌ها مانده‌است. بالغ بر ۲۵۰ اجرا، سه اجرا در روز، صف‌های طویل که چند دور گرد تئاترشهر می‌گشت و کف‌زدن‌های بی‌وقفه تماشاگران. سرآغاز جشنواره‌های تئاتر کودک‌ونوجوان در دهه ۶۰ به توسعه و گسترش و شناخت نسبی‌تر این نوع برای همه ایران به شکل بارزی نقش داشته است. بنابراین اگر امروز گونه‌هایی متنوع از تئاتر برای کودکان‌ونوجوانان هرازگاهی در تئاترهای تهران و شهرستان‌ها اجرامی شود همانا مدیون همین هنرمندانی است که ضمن برخورداری از روحیه کودکانه و داشتن ناخودآگاه فانتزی به‌دنبال تثبیت نوعی هنر نمایشی کاربردی برآمده‌اند که در پیوست کارهای قابل ذکر این مسیر دشوار را برای دیگران هموار ساخته‌اند که در تجلی این نوع هنر ویژه حرکت‌های شایسته‌ای را تثبیت کنند.

جشنواره

جشنواره تئاتر استان تهران در پردیس

بیست و هفتمین جشنواره تئاتر استان تهران طی روزهای اول تا ششم آذر در پردیس تئاتر تهران برگزار می‌شود.

این جشنواره در سه بخش مسابقه، ایثار و تولیدات ویژه سردار دل‌ها شهید حاج‌قاسم‌سلیمانی طراحی شده و طی شش روز آثار خود را در معرض دید علاقه‌مندان به تئاتر قرار خواهد داد.

نمایش‌های «۷ شب»، «آوایی در زندگی دور دست»، «گلوله‌های بی‌صدا»، «سکوت آخر»، «می‌خواهم میوسوف را ببینم»، «پهلوان قلیچ»، «فرشتگان سوخته»، «اپرای گوزن‌ها» و «غائله» در بخش مسابقه.

نمایش‌های «هفت شب و هفت روز»، «مجلس شبیه خوانی قربانی»، «کوردیناتور»، «شب انار» و «ناگفته‌های هشت سال زنانگی» در بخش ایثار و آثاری چون «این و آن»، «پرواز با بال‌های سوخته»، «نذر عباس»، «عقیق» و «یک و بیست دقیقه بامداد» آثار بخش تولیدات ویژه سردار شهید حاج قاسم سلیمانی است.

تئاتر

زندگی وودی آلن در «حافظ»

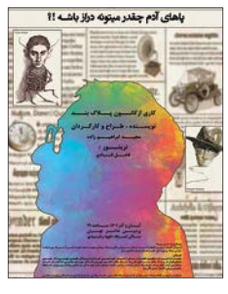

نمایش «پاهای آدم چقدر می‌تونه دراز باشه» که به زندگی وودی آلن، کارگردان سینما می‌پردازد و اثری موزیکال است از امروز ۲۹ آبان در تالار حافظ روی صحنه می‌رود.

مجید ابراهیم‌زاده، نویسنده و کارگردان نمایش پاهای آدم چقدر می‌تونه دراز باشه درباره اجرای این اثر نمایشی گفت: این اثر یک درام اجتماعی درباره زندگی وودی آلن است که بخشی از آن برگرفته از واقعیت و بخشی زاییده ذهن است. این نمایش یک کلاژ ترکیبی از تکه‌پاره‌هایی است که به هم ربط پیدا می‌کنند و یک کمدی سیاه است. ابراهیم‌زاده درباره شیوه اجرایی مدنظر نمایش، افزود: پاهای آدم چقدر می‌تونه دراز باشه، کاملا موزیکال و یک کنسرت تئاتر است.

وی درباره روند تولید این اثر نمایشی، یادآور شد: حدود هشت ماه است که نمایش را تمرین می‌کنیم. این نمایش حدود ۴۰ بازیگر، موزیسین و عوامل صحنه دارد. ابراهیم‌زاده درباره اجرای نمایش پاهای آدم چقدر ... در شرایط فعلی، تأکید کرد: طی جلسه‌ای که با عوامل گروه داشتیم همه موافق بودند نمایش را با وجود شرایط سخت تبلیغ تئاتر و همچنین حضور مخاطب در سالن، روی صحنه ببریم. / مهر

قاب

یک ایده جذاب برای اشاعه فرهنگ

شاید خیلی ساده باشد که تصمیم بگیری یک کامیون را به صحنه تئاتر تبدیل کنی و با آن در مکان‌های مختلف به اجرای نمایش بپردازی اما همین ایده ساده، نیم قرن است که به اشاعه تئاتر در سراسر کشور کمک کرده است. بسیاری از بزرگان و جوانان تئاتر کشور از بابک‌ها، برومندها، شاه محمدلوها تا عمو فیتیله‌ای‌ها و قنادها به همین کامیون‌ها، تئاتر را به گوشه گوشه شهرهای بزرگ و دورافتاده بردند تا شادی را میان کودک و نوجوانان بیاورند. کامیون‌هایی که هنوز هم در سطح جاده‌ها به شهرهای مختلف می‌روند و دیدن تئاتر را فقط در سالن‌های پایتخت دیدن تمرکززدایی می‌کنند.